

نت‌هایی که برای انقلاب به صدا در آمدند



سحر طاعتی خبرنگار

وقتی نام انقلاب اسلامی و دهه فجر به میان می آید ناخودآگاه اولین موتیف‌هایی که در ذهن همگان مرور می شود قطعات و سرودهای انقلابی است. قطعاتی چون لاله خون شد، از خون جوانان وطن، ایران ایران، خمینی ای امام و... که همگی آثار ماندگاری هستند که بعد از ۴۲ سال از انقلاب اسلامی ۵۷ همچنان ماندگار مانده اند و همه نسل‌ها را به خود همراه کرده‌اند. راز ماندگاری آثار انقلابی چه در ایران و چه در سایر کشورها علاوه بر خلاقیت و علم خالقان شان، همسو شدن ذهن و تفکر هنرمندان با یک رخداد تاریخی و همراهی با مردمان سرزمین شان است و خروجی اش موسیقی‌هایی می شود که دهه‌های متمادی در افکار عمومی جا خوش می کنند و عنوان جاودانگی را به خود می گیرند. در روند انقلاب اسلامی ایران نیز آهنگسازان، ترانه‌سرایان و خوانندگان بی شماری نقش داشته‌اند و باعث خلق آثاری شدند که امروزه لقب موسیقی انقلابی را با خود یکدک می کنند. در کنار اسامی چون محمدرضا لطفی، پرویز مشکاتیان و حسین علیزاده که آثار متعددی در همان سال‌های اولیه شکل‌گیری انقلاب در کانون چاووش خلق کرده‌اند نام‌هایی چون احمدعلی راغب، حمید شاهنکیان، رضا رویگری، محمد گلریزو خیلی‌های دیگر به چشم می خورد که هر کدام نقش بسزایی در تولید آثار موسیقی انقلابی داشته‌اند. به‌طور کلی می توان موسیقی ایران را به قبل و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم‌بندی کرد که موسیقی انقلاب مرز بین این دو بخش است.

■ **الله‌الله اولین سرود جمهوری اسلامی بود**
فریدون خشنود، آهنگساز قطعه ماندگار «ایران ایران» که برخی با نام «الله‌الله» می شناسند درباره روند ساخت این اثر به «ایران» می گوید: «پاییز ۱۳۵۷ بود که شاهد شور و هیجان مردمی و حرکت‌شان در خیابان‌ها، صدای مسلسل، ریختن خون مردم و... بودیم. زمانی که حکومت نظامی اعلام می شد، مردم روی پشت بام خانه‌هاشان می رفتند و نوای «الله اکبر» سر می دادند در واقع این‌الله اکبر سر دادن‌ها همانند صدای یک ارکستر سمفونیک بود و همین عاملی شد که تصمیم به ساخت این قطعه گرفتیم».

او ادامه می گوید: «از آنجایی که این اثر را به الهام از صدای مردم ساخته‌ام آن را هم متعلق به خود مردم می دانم چون از ساخته‌های خودشان است من فقط پشت پیانو نشستم و این سرود را تنظیم کردم. از حسین سرافراز خواستم که شعر را بگوید و به‌دنبال صدایی بودم که شنیده نشده باشد و ناشناخته باشد. رضا رویگری از دوستان من بود، صدای زیبا، لطیف و خرن انگیز او را شنیده بودم. بنابراین به این نتیجه رسیدیم که او باید این کار را اجرا کند. قطعه ساخته شد و تمرینات در منزل ما انجام گرفت اما برای ضبط بایستی به یک استودیو می رفتیم ولی حکومت نظامی بود. بالاخره با چند نفر صحبت کردم و به استودیو صبا در خیابان فلسطین رفتم و آقای رحیم شب خیز استقبال کرد. هیچ‌سازی نداشتیم چون همکاری با ما نشده بود. ما تعدادی زنجیر، طبل و سنج در گونی ریختیم و با خودمان بردیم. البته مورد شک و شبهه مأموران هم قرار گرفتیم اما سرانجام توانستیم وارد استودیو شویم».

این آهنگساز درباره ضبط صدای گروه کر این اثر با توجه به محدودیت‌های آن زمان بیان کرد: «در این اثر صدای یک گروه کر شنیده می شود که در واقع هیچ گروه کر در این اثر نشنوده بلکه من و رویگری با هم به دفعات زیاد الله‌الله را تکرار کردیم تا حالت کر داشته باشد. وقتی کار اجرا شد، احساس کردم یک صدای اذان هم می تواند به کار کمک کند. رویگری اذان و دکلمه ایاتی از قرآن را هم خواند. برای اینکه کار کاسترال تر بود، شروع به زنجیر زدن کردیم و این کار را هم ضبط کردیم. چندین شبانه روز من و اهالی خانواده مشغول ضبط این آهنگ در نوار کاست و پخش کردن در تعدادی ساک بین مردم در مساجد، مدارس و... بودیم. خیلی عجیب بود که فردای همان روز، این سرود را در بلندگوهای حرکت مردمی می شنیدم. تا اینکه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران با این سرود افتتاح شد. این اولین سرود جمهوری اسلامی ایران بود و تا قبل از این چنین چیزی وجود نداشت و کسی نمی دانست، می شود سرودی ساخت اما من به کمک مردم این کار را انجام دادم».

خالق قطعه «الله‌الله» درباره عدم ساخت قطعات انقلابی در شرایط کنونی و در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی می گوید: «خوشبختانه جریان انقلاب اسلامی ایران به نحو احسن در حال پیشروی است اما به شخصه در حال حاضر فضا را این‌گونه نمی بینم که بخواهم بار دیگر برای آگاهی بخشی موسیقی‌هایی با همان موضوع اوایل انقلاب تولید کنم اما اگر به بحث‌های داخلی و مسائل دیگر نگاه کنیم می بینیم که برای شهدای

این آهنگساز با اشاره به تفاوت‌های جایگاه موسیقی ایرانی در اوایل انقلاب با امروز گفت: «در حال حاضر حمایت از موسیقی ایرانی به صفر رسیده است ولی همچنان می بینیم که موسیقی اصیل و موسیقی سنتی زنده مانده‌اند. بسیاری از هنرمندانی که به موسیقی سنتی و موسیقی اصیل گرایش دارند، هنوز هم فعالیت می کنند و از جیب خودشان برای این کار مایه می گذارند. من اگر بخواهم با گروهم یک کنسرت برگزار کنم، باید پول سالن و چاپ بلیت‌ها را خودم بپردازم، حتی باید مبلغی هم به تهیه‌کننده پرداخت کرد تا کارهای قانونی مجوز کنسرت را انجام بدهد. در نهایت پول چندانی برای من و گروهم باقی نمی‌ماند. با این حال جوانان زیادی هستند که همه این مسائل را تحمل می کنند چون دوست دارند هر طور که شده روی صحنه بروند تا این ژانر از موسیقی زنده بماند. از طرفی هر روز می بینیم که ده‌ها خواننده پاپ رشد می کنند و درآمد‌های زیادی دارند، با این وضعیت معلوم است که اکثر خواننده‌های جوان به آن سمت گرایش پیدا می کنند».

■ **تأثیرگذاری عاطفی موسیقی‌های انقلاب**
مرحوم احمدعلی راغب، پیشکسوت‌ترین آهنگساز موسیقی انقلابی، که ساخت ماندگارترین آثار انقلابی را در کارنامه هنری خود دارد در آخرین گفت‌وگوی خود درباره موسیقی‌های انقلاب صحبت‌هایی مطرح کرده است: «موسیقی‌های زمان انقلاب و حتی دفاع مقدس به لحاظ عاطفی در بین مردم تأثیرگذار بودند. آن موقع اغلب موسیقی‌ها از شعرها و ملودی‌های فاخری بهره می بردند که مردم با شنیدن آن آثار، بسیار احساساتی می شدند و تحت تأثیر قرار می گرفتند. البته موسیقی در گذشته و قبل از انقلاب بیشتر به شکل شعار بود اما بعدها یک سری نوازنده و آهنگساز آمدند و دل شعارهایی که مردم در کوچه و خیابان سر می دادند، آهنگ ساختند و به جامعه



می بردیم و آثار ما در بخش‌های مختلفی از جمله صداوسیما پخش شد».
او افزود: «آن دوران مردم بسیاری از آهنگ‌هایی را که ساخته شده بود یا خود زمزمه می کردند و موسیقی سنتی و موسیقی اصیل جایگاه بسیار خوبی داشت. متأسفانه از اواسط دهه ۸۰ موسیقی پاپ را به نحوی رواج دادند که دیگر کمتر کسی حاضر می شود موسیقی سنتی گوش کند. این در حالی است که اوایل انقلاب، موسیقی پاپ و موسیقی کلاسیک ما رو به نابودی رفت ولی موسیقی اصیل ایرانی به دلیل اینکه در فرهنگ ما ریشه داشت، نه تنها از بین نرفت بلکه شروع به رشد کرد. ما نیز در آن سال‌ها ارکستری داشتیم که خواننده آن آقای حسام‌الدین سراج بود و چند وقت بعد به اتفاق آقای سراج به حوزه اندیشه و هنر اسلامی رفتم و در آن حوزه در ادامه تبدیل به حوزه هنری شد. در آنجا ارکستر تشکیل دادیم و اولین کاست‌مان را با نام «نینوا» تولید و منتشر کردیم».

منتقل کردند.

ملت ایران قبل از انقلاب با شعارها آشنایی نداشتند، در واقع در جریان انقلاب بود که این شعارها که زاینده ذوق مردم بودند، کم‌کم شکل گرفتند. آنان در خیابان‌ها با شعارهایشان همبستگی و همراهی خود را نشان می دادند و پیام خود را به جهان می‌رساندند و بعد از پیروزی انقلاب این شعارها با موسیقی همراه و به مردم منتقل شدند. این پل ارتباطی با آغاز جنگ تحمیلی مستحکم‌تر شد و فضا و تفکر انقلابی را نه تنها به چهار گوشه ایران، بلکه به نقاط دور دست جهان هم منتقل کرد».

او در ادامه گفت: «اگر بخواهیم روی موسیقی انقلاب و موسیقی دفاع مقدس یک ارزیابی کلی انجام دهیم، من فکر می کنم آثاری که در زمان پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس با امکانات و واقعیت‌ها و در پیشرود روند انقلاب در شهرها و روستاها اثرگذار بوده‌اند.

با این مقایسه کوتاه می توان گفت اشعار و قطعات آن زمان نسبت به امروز زیاد معماگونه نبود و بسیار ساده و سهل الفهم بود. در واقع با مرور زمان، شعار و شعر بیشتر به هم نزدیک شدند و اشعار به صورت شعاری سروده می شد و ما آن زمان سعی کردیم پا به پای سیاست زمان و جامعه حرکت کنیم. بیشتر اشعار و قطعات جنبه عاطفی داشتند و در کنار آن شکل دادن به احساس تعهد و عشق مردم به آرمان‌هایشان تأثیرگذار بود و در بسیاری موارد این آهنگ‌ها همراه اشعار فاخر شعرهایی پر شور بودند که البته بعد از برانگیختن احساس مخاطب، انتقال دهنده شعور و آگاهی نیز بودند».

■ **عدم آشنایی جوانان با موسیقی انقلاب**
خالق قطعه ماندگار «بانگ آزادی» با بیان اینکه جوانان امروز کمتر با موسیقی انقلاب آشنا هستند، عنوان کرد: «جوان امروز ممکن است این ژانر از موسیقی را بارها در صداوسیما یا جاهای دیگر شنیده باشد ولی واقعیت این است که جوانان چندان با موسیقی انقلاب و دفاع مقدس آشنا نیستند و نمی‌توانند شناخت مناسبی از آن پیدا کنند. با موسیقی‌های امروزی تشخیص بدهند و با وجود تلاش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است همچنان شاهد این موضوع هستیم که اشعار مستحجن و آن سوی آب بیشتر مورد توجه جوانان ایران قرار گرفته‌است و شاید این روزها موسیقی ما بیشتر از همیشه برگرفته از موسیقی‌های غربی باشد. من خودم از سال ۶۳ تا سال ۶۷ به مدت چهار سال مدیرکل مرکز موسیقی صداوسیما بودم و در آنجا نمونه‌سازی کردیم. افرادی نظیر آقای عباس بهادری و دیگران آمدند کار کردند و هر کدام یک نواز کاست به بازار ارائه دادند ولی پس از مدتی گفتند که ما این نوع از موسیقی را نمی‌خواهیم. گفتیم چه چیزی می‌خواهید؟ گفتند ما موسیقی سنتی می‌خواهیم اما پس از این همه سال موسیقی سنتی کجاست؟

او تصریح کرد: «متأسفانه موسیقی انقلاب و موسیقی دفاع مقدس ما به دلیل کوتاهی‌ها و اشتباه‌های مدیران کم سواد و سیاستمداران کم تجربه ضربه‌های زیادی خورده است. من فکر می کنم برخی از مسئولان حوزه موسیقی بخوبی موسیقی را نمی‌شناسند ولی با سلیقه و نگاه‌های شخصی با موسیقی برخورد می‌کنند. مثلاً در حال حاضر می‌گویند موسیقی در استان خراسان ممنوع شده است، ما در خراسان موسیقی هرات و خراسان کویر را داریم، چرا یک سری افراد که از موسیقی چیزی نمی‌دانند، برای موسیقی قانون می‌نویسند و مانع اجرای موسیقی در شهر می‌شوند و این امر موجب می‌شود در چنین شرایطی جوانان ما روز به روز بیشتر از موسیقی انقلاب و دفاع مقدس فاصله بگیرند».

احمدعلی راغب چهره برجسته موسیقی انقلاب با اشاره به وضعیت نامناسب موسیقی ایران در شرایط کنونی گفت: «موسیقی انقلاب و دفاع مقدس ما روز به روز بیشتر مورد بی‌مهری قرار می‌گیرد و نسبت به گذشته کمتر شنیده می‌شود. در واقع هر چه به جلوتر می‌رویم نگاه‌مان بیشتر به موسیقی گذشته معطوف می‌شود. متأسفانه در جامعه ما کمتر کسی از موسیقی انقلاب و دفاع مقدس شناخت دارد و نگاه مخاطبان از این ژانر از موسیقی برگشته است. البته نسل جدید از این بابت تصویری ندارد چون با حس و حال و سابقه ساخت این آثار آشنایی ندارد و به‌همین خاطر نمی‌تواند با این آثار چندان ارتباط برقرار کند».

و باز هم تأکید می‌کنم متأسفانه موسیقی دیگر در جامعه ما کمتر کسی از موسیقی انقلاب و دفاع مقدس شناخت دارد و نگاه مخاطبان از این ژانر از موسیقی برگشته است. البته نسل جدید از این بابت تصویری ندارد چون با حس و حال و سابقه ساخت این آثار آشنایی ندارد و به‌همین خاطر نمی‌تواند با این آثار چندان ارتباط برقرار کند».

و باز هم تأکید می‌کنم متأسفانه موسیقی دیگر در جامعه ما کمتر کسی از موسیقی انقلاب و دفاع مقدس شناخت دارد و نگاه مخاطبان از این ژانر از موسیقی برگشته است. البته نسل جدید از این بابت تصویری ندارد چون با حس و حال و سابقه ساخت این آثار آشنایی ندارد و به‌همین خاطر نمی‌تواند با این آثار چندان ارتباط برقرار کند».

■ یکشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۹
■ سال بیست‌وهفتم
■ شماره ۷۵۶۶

۱۵

موسیقی

بارشید وطن دوست که سرودهای انقلابی خوانده است طرفداران سرود ایرانی کم شده‌اند

آلان همه دوست دارند که ترانه و آوازهای شاد محلی بشنوند. در واقع از زمانی که جنگ ایران و عراق به پایان رسید، مخاطبان و طرفداران سرود ایرانی هم کم شدند. ■ **در واقع ذائقه شنیداری مردم تغییر کرده؟ و براساس این تغییر نیز موسیقی روند دیگری را پیش گرفته؟ یعنی هنرمندان برای حفظ مخاطبان‌شان راه خودشان را تغییر داده‌اند؟**

نه این‌طور نیست که هنرمندان در ارائه و ساخت موسیقی خیلی از راه خود دور شده باشند ولی مشکل اینجاست که در حال حاضر تعداد مخاطبان موسیقی پاپ نسبت به گذشته زیادت‌ر شده است. خوانندگان جدید که من اسم اکثر آنها را نمی‌دانم، مرتب در سالن‌های مختلف تهران و شهرستان‌ها کنسرت اجرا می‌کنند. البته ارکستر سمفونیک و گاهی ارکستر ملی برنامه اجرا می‌کند اما به‌طور کلی من به‌عنوان یک خواننده اپرا فکر می‌کنم موسیقی نسبت به گذشته پیشرفت چندانی نداشته است. ■ **به‌نظر شما در ۴۲ سال گذشته مشکل عمده موسیقی کلاسیک چه بوده است؟**

به‌نظر من موسیقی کلاسیک در ۴۰ سال گذشته نه چندان بد بوده و نه خیلی عالی عمل کرده است. در واقع در یک حد وسطی قرار گرفته است. نکته دیگر این است که موسیقی و خصوصاً موسیقی کلاسیک باید شنیده شود اما در حال حاضر عادت مخاطبان به شنیدن آثار موسیقی کلاسیک از بین رفته است.

مشکلی که امروز در موسیقی با آن درگیر هستیم این است که مردم دیگر موسیقی‌های تکراری را دنبال نمی‌کنند و به‌همین دلیل از موسیقی ملی ما فاصله گرفته‌اند. برای همین بهتر است فکری به حال نواها و ملودی‌های مهجور اقوام ایرانی کرد تا با احیای آنها جانی تازه به کالبد موسیقی ایرانی ببخشیم.

■ **در کنار مشکلات موسیقی کلاسیک آیا می‌توان گفت که این ژانر نقطه عطفی هم داشته است؟**
این موضوع از گردانندگان و مسئولان حوزه موسیقی باید بررسی کنند که ببینند آیا موسیقی در سال‌های اخیر نقطه عطفی داشته است یا خیر. اگر نقاط عطفی داشته باشد، باید آن نقاط را بررسی کنند تا در ادامه بتوانند از آنها استفاده بیشتری کنند و باعث قوی‌تر شدن موسیقی شوند.

به‌نظر من وضعیت موسیقی آن‌طور که باید شایسته نیست، شما نگاه کنید در کشور‌های دیگر از جمله جمهوری آذربایجان ۵۰ درصد زندگیشان موسیقی است و ارکستر ملی، ارکستر سمفونیک، اپرا و... دارند. من خودم آواز کلاسیک و سلفژ تدریس می‌کنم و قبل از انقلاب اسلامی ۳۲ اپرا در تالار رودکی خواندم و بعد از انقلاب اسلامی ۲۰۰ سرود موسیقی ملی هیچ کس به هنرمندان موسیقی اهمیت نمی‌دهد.

■ **پس بایستی گفت که مدیران در این زمینه نقش اصلی را ایفا می‌کنند و بروز موسیقی‌های سخیف بخشی به گردن مدیرانی است که باعث ارائه موسیقی خوب نمی‌شوند؟**
من فکر می‌کنم موسیقی کلاسیک در این شرایط بیشتر به کمک و حمایت دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی احتیاج دارد. دولت باید بودجه بیشتری در وهله اول برای موسیقی و بعد برای موسیقی کلاسیک اختصاص بدهد تا هنرمندان موسیقی کلاسیک بتوانند با خیالی آسوده‌تر و تمرکز بالاتری کار کنند.

اما خب شاهد این هستیم که روز به روز میزان توجه مدیران به این ژانر کمتر از سابق است و این مسأله اصلاً به نفع آن نیست و باید علت آن ریشه‌یابی شده و درمان شود. مدیران ما باید مانند موسیقی پاپ توجهشان به این بخش از موسیقی بیشتر معطوف شود و مانند کودک یتیم با آن برخورد نشود.

متأسفانه طی سال‌های اخیر هم مردم توجه‌شان به موسیقی پاپ بیشتر شده و هم مسئولان بیشتر از این ژانر حمایت می‌کنند من حرفم این نیست که چرا به آن توجه می‌کنند بلکه معتقدم که در کنار توجه به یک سبک از موسیقی بایستی به دیگر انواع نیز پرداخت و البته که توجه و حمایتشان به موسیقی اصیل ایرانی و کلاسیک که توسط هنرمندان دلسوز مملکت اجرا و ارائه می‌شود، بیشتر شود.

■ **اکثر هنرمندان از جمله شما به عدم حمایت دولت از موسیقی اشاره کرده‌اید درست است که این ضعف وجود دارد اما می‌بینم که هنرمندان راه خودشان را ادامه داده‌اند و شاهد خلق گروه‌های تازه تأسیس هستیم؟**

هرچند ما هیچ حمایتی نداریم ولی اصلاً دست از کارمان نمی‌کشیم و با عشق به راهمان ادامه می‌دهیم. من خودم سال‌هاست که مشغول تدریس آواز کلاسیک هستیم و مدت کوتاهی است که ارکستری را با نام «سامیه» راه‌اندازی کردم و به نوعی مشغول اشاعه موسیقی قابل قبول در آن هستیم.

اعضای ارکستر همگی از تحصیلکرده‌های موسیقی هستند و خودم نیز علاوه بر اینکه کرم سرپرستی آن را برعهده دارم، آواز کلاسیک هم می‌خوانم البته در کنار آواز کلاسیک، قطعات آذری را نیز اجرا می‌کنم. همان‌طور که می‌دانید این‌ها روزها با فقر موسیقی و گوش‌هایی که تشنه شنیدن این شکل از موسیقی هستند رو به رو هستیم و سعی کردم موسیقی درست را به گوش مردم برسانم، من آذری هستم و این ژانر از موسیقی برایم از اهمیت زیادی برخوردار است و البته به معنی این نیست که دیگر موسیقی‌ها درجه اهمیت کمتری دارند بلکه توجهم به موسیقی آذری کمی بیش از دیگر ژانرهاست.



امیر خاتمی

مخاطبان به این نوع موسیقی علاقه زیادی دارند. در کشور ما فقط تعداد محدودی از افراد مسن اپرا و موسیقی کلاسیک گوش می‌کنند.

البته مسأله مهم این است که بسیاری از مردم ایران شناخت چندانی از موسیقی کلاسیک ندارند به‌همین خاطر آن را دنبال نمی‌کنند در صورتی که ما در کشورمان ارکستر سمفونیک داریم که بیش از ۸ دهه از فعالیت آن می‌گذرد ولی از آنجایی که برنامه اجرای مدونی ندارد نتوانسته در معرفی موسیقی کلاسیک موفق عمل کند.

■ **سال‌ها از انقلاب و جنگ می‌گذرد اما ماندگاری قطعاتی که آن زمان خلق شده تا به امروز که ۴ دهه از آن روزها می‌گذرد، ادامه دارد. فکری کنید رزم‌ماندگاری این آثار چه بوده و چرا دیگر شاهد ساخت قطعات ماندگار در موسیقی‌مان نیستیم؟**

به نظر من در حال حاضر کسی دیگر سرود گوش نمی‌کند. آن موقع زمان انقلاب و جنگ بود و مردم چون حال و هوای خاصی داشتند، سرود گوش می‌کردند و گرچه